سی‌وچهارمین همایش بانکداری اسلامی: طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران
۲۰ و ۲۱ شهریور ماه ۱۴۰۳، صص. ۱۳۸-۱۲۳

بررسی نحوه استفاده ترکیبی از ابزارهای فرایند گزیر

اسماعیل لـلّه‌گانی[۱]
آی‌ناز آریائی[۲]
زهرا به‌نژادی[۳]

چکیده

تجربه بحران‌های مالی در سطح جهانی و اهمیت ثبات مالی در اقتصاد کشورها، سیاست‌گذاران را بر آن داشت تا به‌دنبال چهارچوبی به‌منظور پیشگیری یا حل‌وفصل مشکلات مرتبط با بانک‌های ناسالم، با تأکید بر ایجاد حداقل تنش در نظام بانکی و سرایت آن به سایر بخش‌های سالم باشند. ترجیح سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران در یک مؤسسه مالی ناسالم بر آن است که به‌جای از دست دادن ارزش کامل سرمایه‌گذاری‌ها یا سپرده‌های خود در مواقع بحرانی، آن مؤسسه بتواند بدهی‌های خود را به آن‌ها پرداخت کند. از سوی دیگر، دولت‌ها نیز ترجیح می‌دهند که اجازه ورشکستگی و انحلال به مؤسسات مالی ندهند، زیرا ورشکستگی در مقیاس بزرگ می‌تواند احتمال مشکلات سیستمی را برای بازار افزایش دهد. در این میان، اجرای فرایند گزیر به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد آن، مورد توجه سیاست‌گذاران در برخی از کشورها قرار گرفته است.

از این‌رو، در پژوهش حاضر به بررسی ابزارهای گزیر و مبتنی بر ابزار نجات از درون پرداخته خواهد شد. به‌دلیل این‌که سنجش تمام ویژگی‌های مربوط به ورشکستگی بانک‌ها تقریباً ناممکن است، بنابراین، به‌منظور حفظ انعطاف‌پذیری در انتخاب ابزارها، استفاده ترکیبی از ابزارها همچون نجات از درون و ابزارهای انتقالی مورد بررسی ویژه قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: بحران بانکی، گزیر، نجات از درون، بانک‌های ناسالم

---

[۱] مدیرعامل بانک رفاه کارگران، (نویسنده مسئول)؛ e.lalegani@bankrefah.ir
[۲] کارشناس پژوهشی بانک رفاه کارگران، aynaz.aryaee91@gmail.com
[۳] کارشناس پژوهشی بانک رفاه کارگران، z.behnejhadi@yahoo.com

مقدمه

وجود بحران‌های بانکی در دهه سوم قرن بیستم، از یک‌سو دلیلی بود تا برای حمایت از اقتصاد کشورها در برابر بی‌ثباتی مالی و از سوی دیگر، حمایت از وجوه سپرده‌گذاران در برابر زیان ناشی از ورشکستگی احتمالی مؤسسات مالی، رویکردهای خاصی برای نظارت و کنترل ایجاد شود. بنابراین، ثبات مالی به‌عنوان هدف اصلی سیاست‌گذاران موجب شد تا هیئت ثبات مالی ایجاد و برای حل مشکلات بانک‌های ورشکسته و حفظ ثبات در نظام مالی، استانداردهای بین‌المللی برای نظام گزیر وضع شود. (للـه‌گانی و همکاران: ۱۴۰۳) یکی از اهداف کلی فرایند گزیر بانکی، تضمین تداوم عملکردهای حیاتی بانک‌ها و در عین حال حفظ ثبات مالی است. در چهارچوب فرایند گزیر اتحادیه اروپا، این هدف به تمرکز بر باز ماندن یک بانکِ در حال ورشکستگی و نیاز به تأمین منابع مالی برای افزایش سرمایه منجر شده است. (SRB: 2023)[1]

با توجه به پیامدهای انحلال بانک‌های ورشکسته برای اقتصاد کشورها و وقوع ریسک شهرت، این امکان وجود دارد که تنش اجتناب‌ناپذیری میان اتخاذ ابزارهای مربوط به فرایند گزیر و اجرای آن وجود داشته باشد. در همین راستا، امکان خروج مدیریت واقعی بحران از استراتژی‌های برنامه‌ریزی شده توسط مقامات فرایند گزیر وجود دارد که این موضوع می‌تواند اعتبار چهارچوب گزیر را برای کاهش مخاطرات اخلاقی تضعیف کند.

براساس تجارب اتحادیه اروپا، ابزار نجات از درون[2] به‌عنوان سنگ بنای برنامه‌ریزی برای فرایند گزیر، به‌ویژه برای بانک‌های بزرگ بوده است. (SRB: 2023) استراتژی‌هایی که صرفاً بر ابزار نجات از درون مبتنی هستند و برای رسیدگی به عدم قطعیت‌هایی همچون بحران‌های ناشی از کسری نقدینگی بانک‌ها یا توان بازپرداخت بدهی بسیار سختگیرانه عمل می‌کنند. در عین حال، ابزارهای مربوط به انتقال دارایی‌های سمی برای مدیریت ورشکستگی بانک‌ها، نظیر بانک‌های بزرگ، به‌عنوان ابزار کلیدی محسوب می‌شوند. حال این پرسش برای متولیان امر گزیر در کشورها مطرح است که: آیا هر یک از ابزارهای این فرایند به تنهایی می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند؟ و از سوی دیگر، میزان اثرگذاری این ابزارها در زمان استفاده به‌تنهایی به چه صورت خواهد بود؟

از این‌رو، در این مقاله استدلال بر آن است که مقامات فرایند گزیر می‌توانند برنامه‌ریزی و اجرای گزیر را در صورتی هماهنگ کنند که آماده به‌کارگیری انواع ابزارهای گزیر باشند و در نتیجه، انعطاف‌پذیری و

[1] Single Resolution Board
[2] Bail-in

اختیاری بودن در مدیریت بحران را افزایش دهند. بنابراین، پس از بررسی تمام چهارچوب‌های فرایند گزیر، به بررسی ترکیب این ابزارها و همچنین، میزان اثرگذاری هر یک از آن‌ها نیز پرداخته خواهد شد.

فرایند گزیر

پس از بحران مالی جهانی، توجه به نظام خاص ورشکستگی همچون فرایند گزیر حایز اهمیت گشت. این بحران نشان داد که بانک‌ها و مؤسسات مالی در معرض ریسک بسیاری قرار گرفته و امکان سرایت این ریسک‌ها به سایر نهادهای مالی و چه بسا به اقتصاد کشورها وجود دارد. از این‌رو، هیئت ثبات مالی مستقر در بانک بین‌المللی تسویه به‌منظور حل مشکل ورشکستگی بانک‌ها و اجرای فرایند گزیر برای حفظ ثبات مالی، اقدام به انتشار استانداردهای بین‌المللی کرده است.

با توجه به‌انواع نظام‌های ورشکستگی، میان ورشکستگی و گزیر تفاوت وجود دارد. در واقع، هنگامی که نهادهای غیرمالی دچار توقف می‌شوند از قوانین ورشکستگی[1] پیروی می‌کنند. این در حالی است که درخصوص نهادهای مالی با اهمیت سیستمی، از قوانین و مقررات گزیر تبعیت می‌شود. تفاوت دیگری که برای این دو نوع نظام می‌توان قایل شد این است که صدور حکم ورشکستگی زمانی است که بنگاه از پرداخت دیون، شکایت به دادگاه و صدور حکم قضایی متوقف شده باشد. اما برای آغاز فرایند گزیر، نظر مقام ناظر مالی یا مقام دیگری که قانون مشخص کرده، کافی است. (محرابی: ۱۳۹۹)

طبق طبقه‌بندی کمیته بازل درخصوص نظارت بانکی، شش شیوه مورد استفاده در فرایند گزیر وجود دارد: انحلال بانک و پرداخت سپرده[2]، نجات از درون، خرید و تعهد[3]، ادغام و تملک[4]، بانک انتقالی[5] و کمک به بانکِ در حال فعالیت[6]. هر روشی، مزایا و معایبی دارد که بسته به وضع موجود در آن بانک می‌تواند بهینه باشد. این شش ابزار برای نشان دادن بهتر گزینه‌های مدیریت بانک‌های ورشکسته ارایه شده‌اند. از این‌رو، ترکیبی از برخی از این ابزارها می‌تواند به‌صورت متوالی یا پشت‌سر هم برای رفع مشکلات در یک بانک ورشکسته معیّن اجرا شود. برای نمونه، یک بانک در حال ورشکستگی ممکن است ابتدا به‌واسطه ابزار نجات از درون وارد فرایند گزیر شود و بعد، کمک بانکیِ در حال فعالیت دریافت

[1] Bankruptcy
[2] Bank Closure and Deposit Payout
[3] Purchase and Assumption
[4] Mergers and Acquisitions
[5] Bridge Bank
[6] Open Bank Assistance

کند. سپس، تحت ادغام قرار گیرد و همچنان در نهایت با شکست مواجه شود و از طریق ابزار خرید و تعهد، مشکل حل‌وفصل شود. ابزارهای مورد استفاده در فرایند گزیر به‌شرح زیر است. (گروور[1]، ۲۰۲۱)

انحلال بانک و پرداخت سپرده

روشی است که به‌موجب آن بانک ورشکسته منحل شده و پرداخت سپرده‌ها باید تا حد امکان و با توجه به قدمت و اولویت مطالبات آن‌ها از منابع بانک انجام شود. برای نمونه، در جامایکا[2]، چندین بانک منحل و سپرده‌ها پرداخت شد، در حالی که دولت، دارایی‌های سمی را به یک شرکت مدیریت دارایی[3] منتقل کرد که این شرکت، مسئول بازیابی دارایی‌ها تا حد امکان بود. این بحران، بخش عمده‌ای از سیستم مالی داخلی را دربر گرفت که امکان انتخاب گزینه‌های جایگزین را محدود می‌کرد.

نجات از درون

یکی از دلایل معرفی این روش آن است که اگر بانکِ بزرگی در معرض ورشکستگی قرار بگیرد، یافتن خریدار برای سهام آن بسیار مشکل است و از سوی دیگر، به‌علت اهداف اجتماعی از انحلال آن جلوگیری می‌شود. بنابراین، در این وضعیت ضرورت دارد دولت یا بانک مرکزی در حوزه‌های کلیدی خاصی از بانک همچون تغییر ساختار مدیریتی، کاهش اختیارات سهام‌داران، اعمال تغییرات عملیاتی و سازمانی، خرید برخی دارایی‌ها، تزریق سرمایه و ... دخالت کند.

خرید و تعهد

براساس این روش، بانک ورشکسته منحل و دارایی‌های غیرسمی و بخشی از بدهی‌های آن توسط بانک سالم یا سرمایه‌گذاران خصوصی خریداری می‌شود. در واقع، منظور از خرید و تعهد این است که یک بانک، بخش‌هایی از تعهدات یک بانک ناسالم را که قابلیت بقا و بازسازی دارد با پرداخت بهایی به تملک خود درآورد و سایر بخش‌های ترازنامه بانک ناسالم در معرض تسویه قرار گیرد.

---

[1] Grover
[2] Jamaica
[3] Asset Management Company

ادغام و تملک

این روش به آن دسته از ادغام‌ها یا تملک بانک‌های ناسالم توسط سایر بانک‌ها اشاره دارد که توسط مقامات بانکی تعیین می‌شود. ادغام بانکی در راستای استفاده از مزایایی مانند صرفه‌های مقیاس و توان مدیریتی با هدف نجات یک بانک از بحران ورشکستگی صورت می‌پذیرد. در این شیوه، شخصیت حقوقی دو بانک در هم ادغام شده و یک شخصیت حقوقی جدید شکل می‌گیرد که مشکلات بانک ناسالم سابق را نخواهد داشت. این شیوه نباید به‌عنوان یک روش متداولِ توصیه شده برای حل بحران یک بانک در نظر گرفته شود، مگر این‌که تحت وضعیت خاصی، انجام دادن آن توجیه‌پذیر باشد. زیرا می‌تواند مشکل بزرگ‌تری همچون مخاطرات اخلاقی ایجاد کرده یا از سرمایه‌گذاری خصوصی جلوگیری کند.

بانک انتقالی

در این شیوه، بانک انتقالی از طریق انتقال تمام یا بخشی از دارایی‌ها و بدهی‌های بانک ناسالم، ایجاد می‌شود. از این‌رو، به بانک ناسالم اجازه داده می‌شود تا پیش از موعدِ فروش سهام، به فعالیت خود ادامه دهد. بانک ناسالم به‌طور موقت توسط دولت یا گروهی از بانک‌ها اداره و از صندوق ضمانت سپرده و/یا دولت، حمایت دریافت می‌کند. تأسیس بانک انتقالی به‌معنای انحلال بانک ناسالم بوده و تسویه دارایی‌ها و بدهی‌های باقیمانده بانک ناسالم، برعهده مدیر گزیر خواهد بود.

کمک به بانک در حال فعالیت

دولت می‌تواند با استفاده از منابع خود به‌واسطه تزریق مستقیم سرمایه، وام‌های دولتی و خرید دارایی‌های سمی، بانک ناسالم را از ورشکستگی نجات دهد. هر چند، کمک به بانک در حال فعالیت، به‌خودی خود به‌منزله حل‌وفصل مشکل بانک نیست، زیرا راه‌حل پایداری برای ضعف‌های اساسی بانک ارایه نمی‌کند. اما برای موقعیت‌های سیستمی که خطر از دست دادن یا اختلال در خدمات بانکی را برای تعداد زیادی از مشتریان ایجاد می‌کند، مفید است. بنابراین، معمولاً این شیوه برای رسیدگی به ورشکستگی بانک‌های بزرگ‌تر یا تحت یک محیط سیاسی و اجتماعی شکننده استفاده می‌شود تا به ریسک سیستمی و ریسک سرایت به سایر بخش‌های نظام بانکی منجر نشود.

اتخاذ ابزار مناسب گزیر

هنگامی‌که فرایند گزیر تنها به ابزار نجات از درون متکی است، برنامه‌ریزی برای اجرای فرایند گزیر، نحوه حل مشکل بحران‌های بانکی را منعکس نمی‌کند. در عین حال، موارد مدیریت بحران در سطح جهانی نشان می‌دهد که تصاحب عملیات یک بانکِ در حال ورشکستگی توسط یک مؤسسه قوی‌تر، راه خوبی برای مدیریت ورشکستگی بانک‌هاست. پرسش اصلی این است: آیا این رویکرد می‌تواند به‌طور مداوم برای همه بانک‌ها، صرف‌نظر از اندازه آن‌ها، اعمال شود؟

ترکیب مناسب بین ابزارهای انتقالی و نجات از درون برای بانک‌های کوچک و متوسط

تجارب کشورهای مختلف همچون اروپا و ایالات‌متحده برای بانک‌های کوچک و متوسط نشان می‌دهد که استفاده از ابزارهای مربوط به انتقال یا انحلال بانک، سابقه اثبات شده‌ای در حمایت از ثبات مالی و ارایه راه‌حلی قابل اجرا برای جلوگیری از اعلام ورشکستگی‌های بانکی به‌دلیل آسیب‌دیدگی شهرت است. (بن‌احمد و هوارنر[1]: ۲۰۲۳)

در عین حال، چنین نقل و انتقالاتی اغلب توسط ضمانت‌های عمومی یا توسط صندوق‌های گزیر حمایت می‌شود. به‌منظور کاهش مخاطرات اخلاقی و حفظ منابع مالی، ابزار انتقال باید تا حد لازم توسط اعتباردهندگان تأمین مالی شود. ابزار نجات از درون برای بانک‌های کوچک و متوسط، نقشی صرفاً ابزاری به‌عنوان ابزاری صرف برای تأمین مالی و تسهیل انحلال بانک از طریق فروش مستقیم یا نهایی به شخص ثالث دارد.

ترکیب مناسب بین ابزارهای انتقالی و نجات از درون برای بانک‌های بزرگ سیستمی

انتقال سهام در بانک‌های بزرگ و سیستمی مسایل مختلفی را به‌همراه دارد. عمده این مسایل شامل مشکل در یافتن خریدار برای سهام این مؤسسات و مسایل رقابتی و پیچیدگی ترازنامه این بانک‌هاست. با این حال، اعلام ورشکستگی مؤسسات بسیار بزرگ، مطلوب دولت‌ها نبوده است.

در همین راستا، کشورها به بررسی رویکردهای جایگزین برای حل مشکل ورشکستگی بانک‌های بزرگ می‌پردازند. از این‌رو، به‌منظور جلوگیری از وقوع ریسک سیستمی ناشی از اعلام ورشکستگی بانک‌های بزرگ، استفاده ترکیبی از ابزار نجات از درون به‌عنوان ابزار اصلی و انتقال جزیی دارایی به‌عنوان ابزار مکمل می‌تواند بهترین رویکرد باشد. این رویکرد معادل تجزیه یک گروه بانکی ورشکسته

[1] Benahmed & Houarner

است که برخی از بخش‌های خود را به‌منظور حفظ عملکردهای حیاتی خود، افزایش سرمایه می‌دهد و سایر بخش‌هایی را که مضرند یا هسته اصلی مدل کسب‌وکار آن را ندارد، به یک یا چند خریدار می‌فروشد. بنابراین، استفاده از این ابزارهای ترکیبی برای بانک‌های بزرگ، سه مزیت اصلی خواهد داشت.

۱- تنها شرایطی که تحت آن یک بانک می‌تواند به‌طور قابل‌اعتمادی در بازار پس از اعمال ابزارهای گزیر باقی بماند، جایی است که فرایند گزیر بتواند اعتماد و اطمینان عمومی را بازگرداند. زمانی که دلایل شکست به‌صورت ساختاری باشد (مانند مدل کسب‌وکار، چشم‌انداز ضعیف سودآوری، شهرت و غیره)، ممکن است به‌اقدامات ساختاری سریع برای سازماندهی مجدد بانک ورشکسته نیاز داشته باشد که فراتر از افزایش سرمایه توسط اعتباردهندگان است. استفاده از ابزارهای انتقال جزیی دارایی در پایان فرایند گزیر می‌تواند زمینه را برای طرح تجدید ساختار در یک افق زمانی طولانی‌تر فراهم کند و به بازگرداندن اعتماد عمومی به دوام بلندمدت بانک، به‌ویژه در شکست‌های ناشی از نقدینگی کمک کند.

۲- آماده شدن برای چنین ترکیبی از ابزارها به آزادی انتخاب در استراتژی‌ها برای هر بانک منجر می‌شود. این موضوع به مقامات گزیر، انعطاف‌پذیری برای انطباق و یافتن راه‌حل‌های گزیر با چشم‌انداز بهتر ثبات یک بانک را در طیف وسیعی از موارد ارایه می‌دهد.

۳- این رویکرد را می‌توان به‌طور مداوم برای همه بانک‌ها اعمال کرد و در عین حال، مشکلات شکست بیش از حد بزرگ و رقابت را کاهش داد.

دسته‌بندی استراتژی‌های گزیر با تکیه بر ترکیبی از ابزارها

در چهارچوب گزیر اتحادیه اروپا، دو راه متفاوت برای دستیابی به اهداف گزیر وجود دارد:

۱- اطمینان از این‌که یک بانک ورشکسته می‌تواند به ادامه فعالیت خود از طریق افزایش سرمایه بپردازد.

۲- مدیریت انحلال بانک ورشکسته از بازار از طریق فروش دارایی‌ها. بر این اساس، ابزارهای گزیر مورد استفاده در اتحادیه اروپا را می‌توان به دو دسته ابزارهای نجات از درون و ابزارهای انتقالی مطابق با شکل شماره (۱) تقسیم کرد.

زمانی که از ابزار نجات از درون به‌تنهایی استفاده می‌شود، پس از اتمام اجرای فرایند گزیر بر نهاد مالی، همچنان آن نهاد مالی می‌تواند به ادامه فعالیت خود بپردازد. ابزارهای انتقال به مقامات گزیر این اختیار را می‌دهند تا:

۱- مطابق با ابزار انحلال مؤسسه مالی، کل دارایی بانک ورشکسته یا برخی از اجزای آن به شخص ثالث منتقل شود. تمایز میان معامله سهام یا معامله دارایی برای ابزارهای انتقال با اصطلاحات استاندارد ادغام و تملک مطابقت ندارد. از منظر فرایند گزیر، انتقال سهام بانک ورشکسته از طریق یک شرکت فرعی به خریدار به‌عنوان معامله دارایی نامیده می‌شود، حتی اگر این نوع انتقال از منظر عملیاتی ادغام و تملک، مطابق با معامله سهام باشد.

۲- تأسیس بانک بد: در این ابزار، دارایی‌های بانک جداسازی شده و دارایی‌های نکول شده همچون وام‌های غیرجاری به‌واسطه ابزار مدیریت دارایی[1] با هدف به حداکثر رساندن ارزش آن‌ها، جهت فروش به بانک بد منتقل می‌شود.

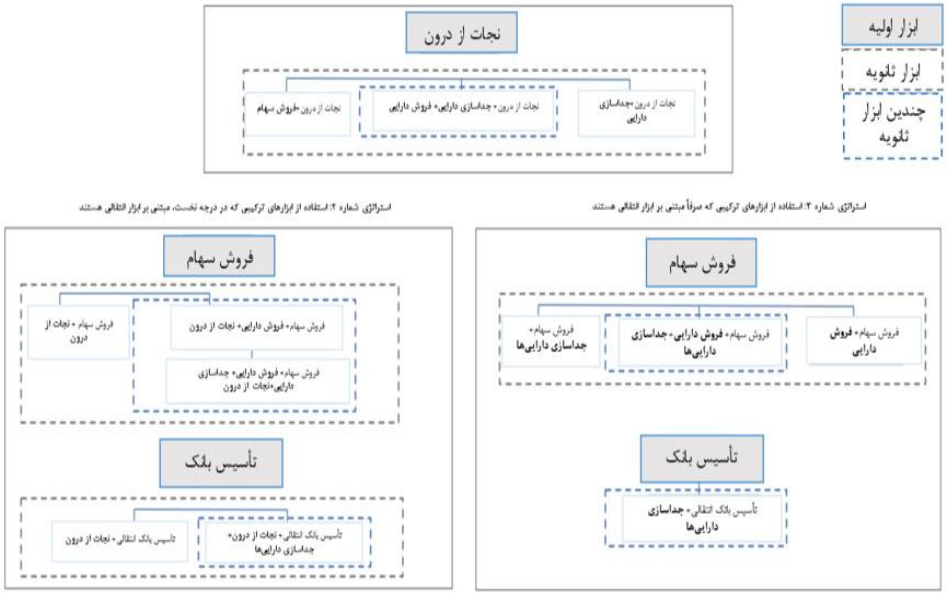
۳- در بانک انتقالی، اجزای نسبتاً سالم ترازنامه را به یک مؤسسه موقتی همچون بانک انتقالی یا بانک خوب، در صورت نبود خریدار مناسب در فرایند گزیر، منتقل می‌کنند.

شایان ذکر است، این نقل و انتقالات در بستر ابزارهای مورد اشاره، ممکن است بدون رضایت سهام‌داران بانک ورشکسته و بدون رعایت الزامات رویه‌ای تحت قانون شرکت یا اوراق بهادار اجرا شود. برخلاف ابزار نجات از درون، استراتژی‌های گزیر که عمدتاً بر ابزارهای انتقال متکی هستند، به انحلال مؤسسه مالی از بازار منجر می‌شوند. این مهم به این دلیل است که یا توسط یک شخصیت حقوقی خریداری می‌شود یا به‌صورت موردی منتقل می‌شود که در صورت انتقال جزیی دارایی‌های بانک، بایستی تحت رسیدگی‌های عادی فرایند ورشکستگی، در یک بازه زمانی معقول منحل شود.

وقتی قرار است بانک ورشکسته که تحت فرایند گزیر قرار گرفته به فعالیت خود ادامه دهد، ابزار نجات از درون، ابزار اصلی آن خواهد بود و ابزارهای انتقال جزیی به‌عنوان ابزارهای مکمل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای نمونه، مرجع گزیر بانکی ممکن است برخی از شرکت‌های تابعه بانک ورشکسته و/یا پرتفوی دارایی‌ها را از طریق فروش معاملات تجاری (معاملات دارایی) قبل از افزایش سرمایه در گروه بانکی به شخص ثالث منتقل کند.

[1] AMV: Asset Management Vehicle

شکل شماره ۱: استراتژی‌های استفاده ترکیبی ابزارها



منبع: ACPR (2023)

هنگامی‌که قرار است بانک ورشکسته منحل شود، ابزار اصلی لزوماً یک ابزار انتقال است که با استفاده از ابزار نجات از درون به‌صورت جزیی به‌عنوان ابزار مکمل عمل می‌کند. برای نمونه، یک ابزار نجات از درون ممکن است در بازاریابی فروش سهام با اندازه‌گیری درست ترازنامه بانک ورشکسته مفید باشد به‌طوری که بتواند قیمت فروش مثبتی داشته باشد. در این نوع ترکیب، ابزار نجات از درون به‌عنوان منبع مالی برای اجرای ابزارهای انتقال عمل می‌کند.

همان‌گونه که در شکل شماره (۱) نشان داده شده، استفاده ترکیبی از ابزارهای انتقالی نیز روش دیگری برای فرایند گزیر است. در این حالت، مجموعه‌ای از ابزارهای انتقال جزیی همچون فروش سهام بانک یا تأسیس بانک انتقالی به‌کار گرفته می‌شود. برای نمونه، در صورتی که خریداران بالقوه سهام بانک ورشکسته، حذف برخی دارایی‌ها یا پرتفوی‌ها (مانند تسهیلات غیرجاری، دارایی‌های با ریسک بالا، دارایی‌های غیرفعال) را پیش‌شرط معامله سهام قرار دهند، آنگاه چنین ترکیبی ضروری است. در کنار این معامله، مرجع گزیر بایستی خریداران جایگزین برای اقلام مستثنی شده در یک معامله تجاری جداگانه (معامله دارایی) پیدا کند یا یک ابزار مدیریت دارایی را تنظیم کند که بتوان آن‌ها را تحت ابزار جداسازی دارایی به آن منتقل کرد.

در سال ۲۰۲۳، ورشکستگی مؤسسه اعتباری سوییس، نمونه بارز خروج از برنامه‌ریزی فرایند گزیر در وضعیت بحرانی بوده است. در این فرایند، رویکرد اصلی مرجع اصلی، بازسازی این مؤسسه با استفاده از ابزار نجات از درون بوده، در حالی که دولت سوییس در نهایت یک راهبرد جایگزین همچون تسهیل خرید توسط (UBS)[1] را اتخاذ کرد.

درخصوص ترکیب ابزارهای گزیر می‌توان به مثال (Sberbank) روسیه اشاره کرد که این بانک در سال ۲۰۲۲ به‌علت وضعیت ژئوپلیتیکی و تأثیر احتمالی تحریم‌ها دچار بحران مالی شد و با تکیه بر استفاده از فروش ابزار تجاری، تصمیمات گزیر را برای شرکت‌های تابعه اسلوونی و کرواسی این بانک اتخاذ کرد. رویکرد اتخاذ شده توسط این بانک نشان داد که ابزار نجات از درون برای مقابله با ریسک‌های اعتبار و نقدینگی مناسب نیست.

همچنین، (Podkarpacki Bank) در لهستان به‌منظور مقابله با بحران، به تأسیس یک بانک انتقالی به‌همراه استفاده از ابزار نجات از درون پرداخت. (استوفزیسکی[2]: ۲۰۲۱)

زمانی که مؤسسات ورشکسته می‌شوند، لزوماً به‌علت مشکل در نسبت‌های سرمایه نظارتی نبوده و گاهی اوقات این مشکل می‌تواند به‌واسطه وقوع ریسک‌های شهرت و ریسک تجاری باشد. ریسک تجاری به ریسک کاهش درآمد و ارزش حق امتیاز، به‌ویژه به‌دلیل کاهش حجم فعالیت مؤسسات مالی یا همچنین کاهش تعامل مشتری با بانک اشاره دارد. در یک نگاه آینده‌نگر، این ریسک‌ها حاکی از چشم‌انداز ضعیف سودآوری و پتانسیل زیان قابل‌توجه در صورت وجود سناریوهای نامطلوب است. بنابراین، می‌توان اذعان داشت که اگر بحران اعتماد توسط یک بانک قابل مدیریت نباشد، وقوع بحران نقدینگی محتمل خواهد شد.

ترکیب ابزارهای گزیر و انعطاف‌پذیری

مقامات مسئول در فرایند گزیر باید بتوانند از تمامی تأثیرات تثبیت‌کننده ابزارها در هنگام اجرای این فرایند بهره‌مند شوند. به‌کارگیری ابزارهای مختلف از آن‌روست که اهداف گزیر به‌میزان بیشتری محقق شود، نسبت به‌زمانی که تنها یک ابزار (عمدتاً روش نجات از درون) استفاده می‌شود. در همین راستا، استفاده از ترکیب ابزارها به‌دلایل زیر می‌تواند توجیه‌پذیر باشد:

[1] United Parcel Service
[2] Stopczy Ski

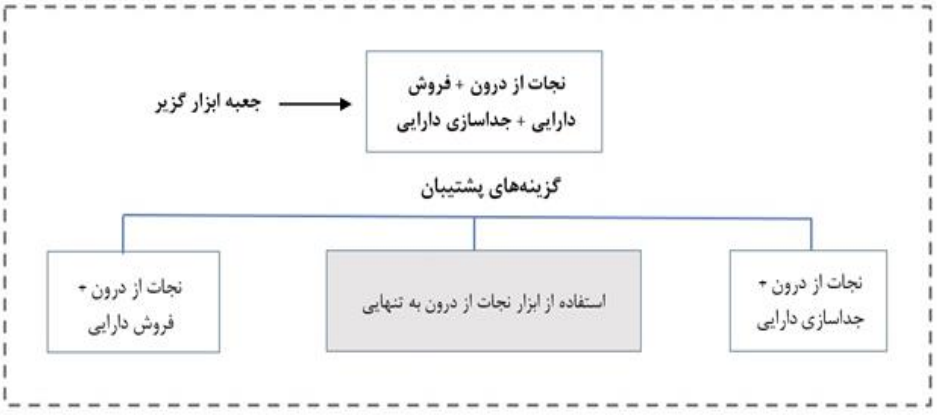
۱- برای اهرم‌زدایی (کاهش بدهی‌ها)، تأمین نقدینگی و کاهش ریسک برای گروه و بهینه‌سازی حفظ ارزش از طریق اجتناب از سرمایه‌گذاری مجدد و افزایش سرمایه همه واحدها. (سلامت مالی)
۲- جداسازی منابعِ با ریسک‌های بالا (ریسک‌های تجاری، ریسک شهرت و غیره) به‌منظور بازگرداندن اعتماد عمومی.
۳- تمرکز دوباره بر تداوم فعالیت‌ها از طریق فروش دارایی‌ها و جداسازی بخش‌های ناسالم و پُرهزینه.

همچنین، سه سناریو ممکن از ترکیب ابزارها با محوریت نجات از درون به‌عنوان ابزار اصلی، مطرح می‌شود:

الف- ابزار نجات از درون به‌همراه ابزار فروش کسب‌وکار (معامله دارایی)؛
ب- ابزار نجات از درون در ترکیب با ابزار جداسازی دارایی؛
پ- ابزار نجات از درون به‌همراه هر دو ابزار فروش کسب‌وکار (معامله دارایی) و ابزار جداسازی دارایی.

با این حال، برای بانک‌های بزرگ همچون شکل شماره (۲)، ترکیب ابزار مناسب در فرایند گزیر می‌تواند شامل سه ابزار نجات از درون، فروش کسب‌وکار در شکل معامله دارایی و جداسازی دارایی باشد. این امر به مسئولان انجام دادن گزیر، انعطاف لازم را جهت انتخاب رویکرد مناسب می‌دهد. برای نمونه، اگر کیفیت دارایی دلیل مشکلات ایجاد شده در بانک نباشد، متولیان اجرای گزیر می‌توانند از دیگر ابزارهای موجود استفاده کنند. اگر بازار، اشتهای کافی برای معاملات دارایی، به‌ویژه در زمان بروز بحران‌های سیستمی، نداشته باشد، مسئولان می‌توانند ابزارهای نجات از درون را با ابزار جداسازی دارایی ترکیب کنند.

شکل شماره ۲: استراتژی جعبه ابزار و گزینه‌های پشتیبان



بنابراین، بحث انعطاف‌پذیری در استراتژی ترکیبِ ابزارها گنجانده شده و به مقامات مسئول اجازه می‌دهد تا بتوانند در یک بازه زمانی فشرده، چندین گزینه و نتایج احتمالی آن‌ها را در نظر گرفته و بررسی کنند. با آماده شدن برای ترکیبی از سه گروه ابزار مذکور، گزینه‌های مختلف پشتیبان و جایگزین نیز در نظر گرفته می‌شوند. این مسأله، متفاوت از روال استاندارد برنامه‌ریزی گزیر است که مسئولان ابتدا استراتژی را بر مبنای یک ابزار گزیرِ منفرد آماده کرده و پس از آن در صورت شکست، استراتژی‌های جایگزین را تعریف می‌کنند.

آثار ابزار گزیر- انتقالات جزیی

انتقال جزیی از ویژگی‌های کلیدی هر ترکیب از ابزارها، به‌ویژه ابزارهای مبتنی بر نجات از درون هستند. دارایی‌های منتقل شده از منشأ بانک انتقال‌دهنده می‌تواند آثار حسابداری و اقتصادی متعددی به‌همراه داشته باشد. این آثار و پیامدها، به‌ویژه در طول دوره بازیابی و در مرحله بازسازیِ پس از گزیر، مطرح می‌شود. در هر صورت، قیمت فروش دارایی‌ها باید با یک معیار مشخص، خواه ارزش حسابداری یا ارزش اقتصادی، مقایسه شود تا بتوان تأثیر هرگونه انتقال را ارزیابی کرد.

آثار حسابداری

در تداوم فعالیت، ارزش دفتری یا به‌طور خاص ارزش دفتری خالص، یعنی ارزشی که براساس آن یک دارایی در دفاتر بانک ثبت می‌شود، باید به‌عنوان معیاری برای مقایسه قیمت فروش و در نتیجه تعیین سود و زیان یک انتقال، در نظر گرفته شود. هرگونه تفاوت میان قیمت فروش و ارزش دفتری دارایی‌ها سبب سود یا زیان در زمان تحقق معامله فروش می‌شود. به‌طور کلی، بدیهی است که واگذاری پرتفوی دارایی‌های آسیب‌دیده به ایجاد زیان منجر خواهد شد. چرا که معمولاً قیمت تعیین شده در فرایند انتقال کمتر از ارزش دفتری این دارایی‌ها خواهد بود.

آثار اقتصادی

آثار حسابداری بیشتر به دوره بازیابی و سازماندهی مجدد کسب‌وکار در مرحله پس از گزیر مربوط است. این مسأله مبین آن است که خروج پُرهزینه از کسب‌وکار و واگذاری دارایی‌ها ممکن است موقعیت سرمایه بانک حل‌وفصل شده را پس از گزیر و زمانی که نیاز است تا اعتماد عمومی مجدداً ایجاد و حفظ شود، تضعیف کند.

در فرایند گزیر، ارزش معیار، ارزش اقتصادی دارایی‌ها و بدهی‌هاست. این ارزش اقتصادی ممکن است از ارزش حسابداری دارایی به‌دست آمده و تعدیل شود. از دیدگاه مقامات مسئول در اجرای گزیر، یک معامله در فرایند انتقال جزیی دارایی ممکن است براساس ارزش اقتصادی، تأثیر نسبی داشته باشد، نه ارزش حسابداری. در هر صورت، ارزیابی مجدد اقتصادی ترازنامه بانک، زیان‌ها را متبلور کرده و تعیین می‌کند چه دارایی‌هایی باید حفظ یا واگذار شوند.

ملاحظات عملیاتی در ترکیب ابزارهای گزیر

در حالی که به‌کارگیری ترکیبی از ابزارها، انعطاف‌پذیری بیشتری به‌همراه خواهد داشت، با این حال ضرورت دارد ترکیب‌های در نظر گرفته شده کاملاً عملی باشند تا بتوانند به‌طور مؤثر به طیف وسیعی از سناریوهای احتمالی پاسخ دهند. چالش اصلی عملیاتی‌سازی به توانایی بانک‌ها و مقامات گزیر برای رسیدن به سطح کافی از آمادگی به‌منظور استفاده از چندین ابزار به‌طور همزمان مربوط می‌شود.

تعامل ابزار نجات از درون و ابزارهای انتقالی

اجرای یک ابزار واحد شامل چندین مرحله فرایندی، قانونی و عملیاتی است. به‌کارگیری ترکیبی از ابزارها عمدتاً نیازمند اجرای مراحل ویژه و خاص ابزار مختلف، تحت وجود فشار زمانی زیاد است. به‌بیان دیگر، به‌کارگیری ترکیبی از ابزارها در فرایند گزیر، نیازمند برخورداری از سطح آمادگی کافی و در صورت لزوم، استفاده از آن‌ها به تفکیک است.

علاوه بر مراحل خاص هر یک از ابزارها، ممکن است مراحلی صرفاً مختص یک ترکیب خاص از ابزارها نیز وجود داشته باشد، به‌خصوص اگر ابزار نجات از درون قرار است تأمین‌کننده منابع مالی برای تراکنش‌های انتقالی باشد. برای نمونه، در حالی که همپوشانی قابل‌توجهی بین ابزارهای انتقالی و ابزار نجات از درون وجود ندارد، اما ترکیب آن‌ها ممکن است مستلزم اجرای برخی مراحل خاص و اتخاذ چندین تصمیم به‌صورت موازی در طول و پس از پایان فرایند گزیر باشد.

تمرکز بر انتخاب محیط انتقال و گیرندگان آن

ترکیبی از ابزارهای انتقالی را می‌توان در یک استراتژی نجات از درون تعبیه کرد. اما باید توجه داشت که اعتبار استفاده از این ترکیب، هم به حفظ سطح آمادگی کافی برای ابزار اولیه (نجات از درون) و هم به رسیدن به سطح آمادگی مشابه برای ابزار تکمیلی (انتقالی) بستگی دارد. وقتی صحبت از انتخاب

محیط انتقال می‌شود، دو تفاوت کلیدی بین انتقال دارایی در استراتژی‌های بانک بسته و بانک باز وجود دارد. نخست، زمانی که بانک در حال گزیر از بازار خارج می‌شود، تداوم عملکردهای مهم آن تنها از طریق انتقال به یک یا چند خریدار/نهاد دیگر، امکان‌پذیر است. بنابراین، محیط انتقال باید عملکردهای حیاتی بانک دارای مشکل را برای دستیابی به اهداف گزیر دربر گیرد. در سناریوی بانک باز، این عملیات همچنان می‌تواند توسط بانک حل‌وفصل شده، حفظ و اجرا شود. بر این اساس، محیط انتقال ممکن است شامل برخی از عملکردهای حیاتی باشد یا نباشد.

دوم، انتقال جزیی دارایی در مقایسه با فروش کل کسب‌وکار، به سطح بالاتری از تفکیک‌پذیری نیاز دارد. شناسایی محیط انتقال، به‌عنوان یک پیش‌نیاز، مستلزم تعریف هر آن چیزی است که نمی‌توان در جریان فرایند گزیر یا پس از آن، از هم جدا و منتقل کرد.

هدف از برنامه‌ریزی برای گزیر، آماده‌سازی مقامات و بانک‌ها برای شناسایی و انتقال سریع محدوده بهینه‌ای از دارایی‌ها در اجرای این فرایند است. این مسأله می‌تواند از طریق توسعه دو قابلیت مهم به‌دست آید.

۱- شناسایی و تعیین محیط انتقال بهینه متناسب با شرایط هر بانک دارای مشکل؛

۲- انتقال سریع بخش دارای مشکل از کسب‌وکار یک بانک و تداوم فعالیت مستقل از این بخش.

بنابراین، محیط انتقال در برنامه‌ریزی گزیر باید از یک‌سو به‌خوبی شناسایی شده و کاملاً مستند باشد و از سوی دیگر، منعطف و پویا بوده تا بتواند در طول زمان، با مدل کسب‌وکار بانک‌ها تغییر کند. در این راستا، انجام دادن آزمون‌های استرس، تحلیل سناریو و تحلیل حساسیت توسط بانک‌ها برای شناسایی محیط انتقال، مورد نیاز است. همچنین، باید توجه داشت که محیط انتقال تا حد زیادی به اهداف انتقال بستگی دارد. بنابراین، ضروری است تا این اهداف به‌دقت از سوی مقامات گزیر تعیین شود. پس از تعیین اهداف مذکور، اندازه بانک دارای مشکل نیز می‌تواند معیار دیگری برای شناسایی محیط انتقال و نیز توجیه‌پذیری انجام دادن فرایند گزیر و هزینه‌های مرتبط با آن باشد.

از سوی دیگر، به‌منظور عملیاتی کردن ابزارهای انتقال جزیی، شناسایی محیط انتقال باید با تمرکز بر ماهیت گیرندگان همراه باشد. برای نمونه، در ابزار فروش کسب‌وکار، نیاز به‌تداوم موقت ارایه برخی خدمات پس از اتمام انتقال، مستلزم آن است که گیرنده، مجوز بانکی و توانایی مالی و حاکمیتی برای انجام دادن این فعالیت را داشته باشد. یا زمانی که بحث معاملات دارایی‌های بزرگ در میان باشد، فرایند بازاریابی، بانک‌هایی با سطح منابع مناسب و بدون مشکلات تأمین مالی را هدف قرار می‌دهد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

بحران‌های بانکی و بروز بی‌ثباتی مالی سبب شد تا سیاست‌گذاران پولی به‌منظور حمایت از سپرده‌گذاران در برابر زیان ناشی از ورشکستگی بانک‌های ناسالم، رویکردها و روش‌های جدیدتری را درخصوص اجرای فرایند گزیر و حل‌وفصل بانک‌های مذکور اتخاذ کنند.

تبعات منفی انحلال مستقیم بانک‌های ورشکسته برای اقتصاد و به‌ویژه تأثیر مخرب آن بر اعتماد عمومی به نظام پولی و مالی کشور، انتخاب ابزارهای مناسب به‌منظور اجرای فرایند گزیر برای بانک‌ها و مؤسسات مالی درگیر –با حداقل تنش و حداکثر حصول نتیجه مورد انتظار– بیش از پیش ضرورت می‌یابد. از سوی دیگر، ویژگی‌ها و شرایط خاص هر یک از بانک‌های ناسالم و تفاوت در ساختار، اهداف و مأموریت‌ها، اندازه و میزان اهمیت آن در نظام مالی کشور، مسئولان اجرای فرایند گزیر را به‌سمت استفاده ترکیبیِ بهینه از ابزارهای گزیر هدایت می‌کند. رویکرد استفاده ترکیبی از ابزارها به افزایش انعطاف‌پذیری فرایند گزیر کمک کرده و به‌مقامات اجازه می‌دهد تا روش‌های خود را با شرایط حاکم در چهارچوب گزیر تطبیق دهند.

یکی از ابزارهای رایج در اجرای فرایند گزیر، ابزار نجات از درون، با الزام به ابطال بدهی‌های بدهکار به طلبکاران و سپرده‌گذاران، به یک مؤسسه مالی در آستانه ورشکستگی کمک می‌کند. در ابزار نجات از درون، مؤسسه مالی توسط طرف‌های خارجی، معمولاً دولت‌ها، با استفاده از پول مالیات‌دهندگان برای تأمین مالی احیاء می‌شوند. استفاده از ابزارهای انتقال دارایی نیز می‌تواند نقش کلیدی در توسعه رویکرد انعطاف‌پذیر برای اجرای فرایند گزیر داشته باشد.

در پایان، توصیه می‌شود به‌جای استفاده از دستورالعمل‌های واحد و از پیش تعیین شده گزیر برای تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی درگیر، رویکردهای خاص و ترکیبیِ بهینه از ابزارهای گزیر، متناسب با شرایط ویژه هر یک از بانک‌ها و مؤسسات مالی ناسالم، مورد توجه نهادها و مقامات مسئول در این زمینه قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱- لـله‌گانی، اسماعیل؛ بدلی آرخلو، آی‌ناز؛ به‌نژادی، زهرا. (۱۴۰۳)؛ «راهبردهای گزیر و نقش تأسیس بانک بد»، ***سی‌ویکمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی***.

۲- محرابی، لیلا. (۱۳۹۹)؛ «بررسی نظام گزیر (Resolution) و نقش آن در بهبود بات نهادهای مالی در ایران (با تأکید بر بانک‌های اسلامی)»، ***بررسی مسایل اقتصاد ایران***. سال هفتم، شماره اول.

1- ACPR. (2023), “Enhancing the credibility of the EU bail-in design: the example of the treatment of discretionary exclusions. ***ACPR working paper on resolution***.
2- Benahmed, Riad.; Houarner, Manon. (2023), “Strategic optionality in resolution: combination of tools”.
3- Grover, P. (2021), “Bad bank: A good alternative mechanism for resolution of the stressed assets”. ***International Journal of Advanced Research in Commerce, Management & Social Science (IJARCMSS)***, Volume 04, No. 01, pp. 213-218.
4- SRB. (2023), “Resolvability of Banking Union banks”, ***Single Resolution Board***.
5- Stopczy ski, A.R. (2021), “Does Bank Resolution Rule out the Use of Public Funds? The Case of the Podkarpacki Bank Spo dzielczy”. ***Finanse i Prawo Finansowe***, (1), 135-157.